

مطالعه تطبیقی دادرسی انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران و انگلستان

چکیده

مرتضی دلجو^۱، عزیزالله فضل^۲

از جمله دغدغه‌های مهم درباره برگزاری انتخابات، شفاف‌سازی تقنینی و حقوقی فرآیند و اصول ناظر و حاکم بر دادرسی انتخاباتی نسبت به تخلفات و جرایم انتخاباتی است. در این پژوهش، مسئله دادرسی انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران و انگلستان به طور تطبیقی بررسی شده است. مطالب مطرح حول محور پاسخ به این مسئله و پرسش است که اساساً فرآیند دادرسی انتخاباتی و انطباق آن با اصول بین‌المللی در حقوق ایران و انگلستان چه نقاط اشتراک و افتراقی دارند. نتایج و یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی تهیه و تنظیم شده، مؤید این مطلب است که ساختار دادرسی انتخاباتی در ایران و انگلستان از منظر انطباق با اصول بین‌المللی در مواردی نظیر اصل بی‌طرفی، برابری، شفافیت، دسترسی به حق شکایت و اعتراض و نظارت دقیق اشتراک دارند، هرچند نظام دادرسی انتخاباتی انگلستان در تبیین از پیش تعیین شده جرایم و تخلفات انتخاباتی در راستای اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و اصول بی‌طرفی و استقلال، دقیق‌تر و موثرتر عمل می‌کند و در مقابل، وضعیت ایران در رعایت اصولی نظیر زمان دادرسی و هزینه دادرسی انتخاباتی بهتر از انگلستان است.

در حوزه تطبیق دادرسی انتخاباتی ایران و انگلستان از طریق قضایی و غیر قضایی نیز هر دو در پیش‌بینی تفکیکی راهکارهای قضایی و غیر قضایی و تعیین شعب تخصصی از محاکم عمومی که موقتی هم هستند، مشترکند. البته در دو نکته با یکدیگر تفاوت دارند. اول این که نهادهای غیر قضایی در ایران نظیر شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی و هیئت اجرایی، حاکمیتی هستند، در صورتی که این نهادها در انگلستان، بیش‌تر مردمی‌اند، نظیر احزاب و نهادهای سیاسی. دوم این که در ایران برخلاف انگلستان، مقامات قضایی راساً حق ورود به تخلفات و جرایم انتخاباتی را دارند، در صورتی که در انگلستان صرفاً پس از دریافت شکایت و اعتراض وارد عمل می‌شوند.

واژگان کلیدی: انتخابات، دادرسی انتخاباتی، دادرسی قضایی و غیر قضایی، اصول بین‌المللی، حقوق انگلستان، حقوق ایران.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران. mortezaadeljou@chmail.ir

۲. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، azizollahfazli@chmail.ir

مقدمه

دادرسی انتخاباتی به طور کلی شامل مفاهیم و سازوکارهایی است که تضمین می‌کنند فعالیت‌ها، فرآیندها و تصمیمات مربوط به فرآیند انتخابات، مطابق با قانون است. بنابراین، از حقوق انتخاباتی حمایت و آن را احیا می‌کند و برای افرادی که فکر می‌کنند حقوق انتخاباتی آن‌ها نقض شده است، امکان دادخواهی و رسیدگی قضایی را فراهم می‌آورد. هم‌چنین شامل ابزار و سازوکارهایی است که مانع خدشه‌دار شدن روندهای انتخاباتی می‌شود و از حقوق انتخاباتی دفاع می‌کند. سازوکارهای دادرسی انتخاباتی، ابزارهایی دارد که به موقع از بحث و مجادله جلوگیری و از ابزارهای رسمی یا غیر رسمی برای حل آن‌ها استفاده می‌کند. از جمله مهم‌ترین این معیارها، نظارت بر نتایج انتخابات و حل و فصل دعاوی انتخاباتی است؛ چون یکی از راهکارهای ضروری برای برقراری دموکراسی و تحقق حاکمیت مردمی، وجود مؤلفه‌های کارآمد و منصفانه و قانع‌کننده برای حل و فصل اختلافات است. یکی از مهم‌ترین اختلافات طبیعی، اختلاف در فرآیند برگزاری انتخابات و نتیجه آن است. این اختلافات در هر مرحله که رخ دهد، اعم از مراحل ثبت نام و احراز صلاحیت نامزدها، مراحل برگزاری انتخابات، تبلیغات و رأی‌گیری و هم‌چنین مراحل پساانتخاباتی یعنی اعلام نتایج باید طبق اصول دادرسی منصفانه حل و فصل گردد. در غیر این صورت، فلسفه وجودی انتخابات و برقراری دموکراسی زیر سؤال خواهد رفت.

بنابراین، در حقوق اساسی هر کشور، راهکارهایی برای دعاوی انتخاباتی در نظر گرفته می‌شود. حقوق اساسی کشورها باید این سازوکارها را طوری پیش‌بینی کنند که افکار عمومی جامعه از برقراری عدالت اطمینان کامل یابند. ایجاد قانون و راهکارهای رسیدگی به اعتراض‌های انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان به نتایج و شیوه برگزاری انتخابات نشانه باز بودن و قوی بودن نظام سیاسی هر کشور به شمار می‌رود و در صورت طرح دعاوی انتخاباتی ناشی از افزایش آگاهی عمومی از برقراری عدالت است.

با توجه به مطالب عنوان‌شده در این پژوهش برای بررسی سازوکار حقوقی حل و فصل دعاوی انتخاباتی در ایران و انگلستان در برقراری اصول دادرسی منصفانه، در پی یافتن پاسخی برای

این پرسش‌هاییم: طرح دعاوی انتخاباتی در ایران و انگلستان به چه صورت است؟ نهادهای رسیدگی‌کننده به دعاوی انتخاباتی در دو نظام ایران و انگلستان کدامند؟ آیا سیستم مرسوم در ایران با اصول بین‌المللی حاکم بر حل و فصل دعاوی انتخاباتی انطباق دارد؟ اصول و استانداردهای بین‌المللی حاکم بر حل و فصل دعاوی انتخاباتی چیست؟

گفتار اول. مفهوم دادرسی انتخاباتی

دادرسی انتخاباتی، اساس و بنیاد دموکراسی است که هم از قانونی بودن فرآیند انتخاباتی و هم از حقوق سیاسی شهروندان حمایت می‌کند. به علاوه در فرآیند پیوسته و همیشگی دموکراسی‌سازی، سرعت بخشیدن به گذار و عبور از استفاده از خشونت به عنوان ابزاری برای حل مشکلات سیاسی به استفاده از ابزار قانونی برای رسیدن به راه حل منصفانه نقش بنیادی دارد. مفهوم دادرسی انتخاباتی شامل ابزار و سازوکارهایی است که مانع خدشه‌دار شدن روندهای انتخاباتی می‌شود و از حقوق انتخاباتی دفاع می‌کند. سازوکارهای دادرسی انتخاباتی، ابزارهایی دارد که به موقع از بحث و مجادله جلوگیری و از ابزارهای رسمی یا غیر رسمی برای حل آن‌ها استفاده می‌کند.^۱

در نهایت، باید گفت که اگر قوانین و مقررات انتخاباتی از مهم‌ترین قواعد یک دولت قانون‌مند دموکراتیک به شمار آید، وجود یک نظام مطلوب دادرسی انتخاباتی را نیز باید یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های تضمین بقا و تداوم آن تلقی کرد. دو دلیل بنیادین برای چنین داعیه‌ای قابل ارائه است: از سویی به عنوان یک دلیل عام در خصوص همه قواعد و مقررات حقوقی، نبود نظارت و ضمانت اجرا ممکن است تأثیر لازم و کافی را در تحقق اهداف وضع قاعده (رعایت نظم حقوقی، حاکمیت قانون و قانون‌مندی حکومت و البته رعایت حقوق و آزادی‌های بنیادین شهروندان) نداشته باشد. از سوی دیگر، با عنایت به اهمیت نظام حقوقی و قوانین و مقررات انتخاباتی در مجموعه نظام حقوقی، دادرسی انتخاباتی اهمیتی دوچندان می‌یابد. بسیاری از صاحب‌نظران، قوانین انتخاباتی یک نظام سیاسی را هم‌تراز قانون اساسی کشور می‌دانند.^۲

۱. اوروسکو انریکه، خسوس، دادرسی انتخاباتی، ترجمه: اسدالله یآوری و هانیه اشتغالی، تهران: میزان، ۱۳۹۷، ص ۱۱.

۲. همان.

گفتار دوم. اصول ناظر بر دادرسی انتخاباتی در ایران و انگلستان

بند اول. اصل برابری

اصل برابری، یکی از مهم‌ترین اصول حقوقی است. اقتضای این اصل، برخورداری همه افراد از حقوق و تکالیف مساوی در شرایط و موقعیت‌های یکسان است. شناسایی حقوق انتخاباتی برابر برای افراد در قوانین و مقررات انتخاباتی صرفاً نمی‌تواند اصل برابری در قوانین انتخاباتی را تأمین کند، بلکه مراقبت بر اعمال حقوق انتخاباتی شناخته‌شده در قوانین انتخاباتی برای تضمین اصل برابری در قانون لازم است. برای تحقق این مهم، تعیین سازوکارهای لازم برای مراقبت بر اجرای قوانین انتخاباتی و جرم‌انگاری اعمال خلاف قوانین انتخاباتی در قواعد حقوقی مربوط به مراقبت بر جریان انتخابات ضروری است. اقتضات اصل برابری در کمیّت و کیفیت نظارت بر انتخابات متفاوت است. اصل برابری در کمیّت (دایره) نظارت بر اجرای انتخابات اقتضا می‌کند که ناظران انتخاباتی بر کل فرآیند انتخابات و تمام عوامل اثرگذار بر جریان انتخاباتی نظارت کنند تا حقوق انتخاباتی شهروندان به صورت برابر در تمام مراحل اجرایی انتخابات تضمین گردد. اقتضای اصل برابری در کیفیت نظارت بر جریان انتخابات، قاعده‌مند بودن معیار نظارت و نظارت بر اساس قانون و بدون مصلحت‌اندیشی ناظر است. به علاوه، قوانین انتخاباتی که معیار نظارت قرار می‌گیرند، باید به صورت عینی و قابل ارزیابی وضع شوند تا از اعمال سلیقه ناظران انتخاباتی در مقام انطباق تصمیماتشان با قوانین انتخاباتی جلوگیری گردد.^۱

بند دوم. اصل شفافیت

یک قانون انتخاباتی باید زمینه‌ها و دلایلی را که می‌تواند موجب شکایت از نتیجه انتخابات شود، به طور واضح و شفاف بیان کند. سازمان امنیت و همکاری اروپا نیز اظهار داشته است که «قانون انتخابات باید زمینه‌های شکایت و اعتراض را تعیین کند». شیوه نظارت ناظران باید بر پایه و مبنای قانونی و مطابق با اصول و روش‌های نظارتی باشد و ناظران در تهیه گزارش خود باید اسناد و مدارک را برای هر گونه ارزیابی منصفانه ضمیمه کنند که چنین اسنادی، شفافیت و اعتبار گزارش آن‌ها را

۱. تقی‌زاده، جواد و طیبه کریم‌زاده، «اصل برابری و نظارت قانونی بر اجرای انتخابات نهادهای سیاسی»، نشریه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره ۱، ۱۳۹۲، ص ۴۰.

افزایش می‌دهد. از این رو، ناظر باید:

۱. اهداف نظارت خود را چه در آغاز انتخابات و چه در زمان گزارش مشخص کند؛
۲. اطلاعات را با مدارک و اسناد و به روش علمی جمع‌آوری کند؛
۳. برای ارائه یک ارزیابی کلی و نهایی از فرآیند نظارت بر انتخابات به مدیریت انتخابات آماده باشد؛
۴. اگر لازم و شایسته بود، مدیریت انتخابات را از کاستی‌های موجود در خصوص فرآیند انتخابات مطلع سازد؛
۵. نتایج حاصل از نظارت حوزه را به عموم اعلام کند.^۱

بند سوم. اصل استقلال

به دلیل اعمال نفوذهای سیاسی و ناروا به ویژه توسط رقبا برای برنده شدن، نهاد نظارت‌کننده باید از لحاظ ساختاری و عملکردی، مستقل از قوای سه‌گانه و نهادهای خاص باشد تا بتواند وظایف خود را بی‌غرضانه و در کمال آزادی اراده و اختیار مطابق با واقع انجام دهد.

بند چهارم. اصل نظارت و بی‌طرفی ناظر

بر اساس این اصل، ناظران باید از میان افراد غیر حزبی و طرفدار تحقق عدالت و انصاف انتخاب شوند. آن‌چه برای ناظر هنگام انجام وظیفه اهمیت دارد، این است که در مدیریت انتخابات، فرآیند انتخابات را مطابق قوانین و مقررات و اصول ارزشی و کارآمدی انتخابات انجام دهد و در مقام حسن اجرای قوانین برآید. جنبه‌های مختلفی می‌تواند تأمین‌کننده بی‌طرفی ناظران تلقی شود که عبارتند از:

۱. به شیوه‌های کاملاً بی‌طرفانه و به دور از هر گونه تعصب نسبت به مسئولان کشور (از جمله تشکیلات مدیریت انتخابات)، احزاب، نامزدان، رأی‌دهندگان، رسانه‌های جمعی و جراید رفتار کنند؛
۲. از انجام هر فعلی که بر حمایت جانب‌دارانه از یک نامزد و حزب یا یک هوادار سیاسی یا یک گرایش سیاسی دلالت داشته باشد یا حتی در ظاهر چنین نشان دهد، خودداری کنند؛

۱. خسروی، حسن و ایرج حسینی صدرآبادی، «نظارت کارآمد بر انتخابات»، نشریه حقوق اداری، شماره ۱۳، ۱۳۹۶، ص ۹۲.

۳. هر گونه ارتباط با مسئولان یا تشکیلات خاصی را که مغایر با اجرای بی طرفانه وظایف نظارتی می شود، کتمان نکنند؛
۴. هیچ گونه هدیه یا کمکی را از یک فرد یا سازمان یا حزب سیاسی که در فرآیند انتخابات ذی نفع است، نپذیرند؛
۵. در هیچ گونه فعالیتی که نشان دهنده حمایت و هواداری از حزب یا نامزد خاص است، شرکت نکنند؛
۶. در خصوص موضوعاتی که احتمالاً یک چالش و اختلافاتی در انتخابات ایجاد کند، اظهار نظر نکنند؛
۷. ارتباط خاص حمایتی با رأی دهنده نداشته باشند؛
۸. از پوشش و علامت هایی که نشان دهنده حمایت از گرایش سیاسی باشد، استفاده نکنند.

گفتار سوم. تبیین میزان انطباق قوانین و مقررات ناظر بر دادرسی انتخاباتی ایران و انگلستان با اصول بین المللی

بند اول. انطباق قوانین و مقررات ناظر بر دادرسی انتخاباتی ایران با اصول بین المللی

در حقوق ایران برای انطباق دادرسی انتخاباتی با اصول بین المللی، اصل برخورد با خاطیان پذیرفته شده است. خاطیان انتخاباتی، دامنه گسترده ای مانند مجریان، ناظران، بازرسان، نامزدان و نمایندگان طرفداران آن ها و مردم عادی را شامل می شود.^۱ در رقابت های انتخاباتی ممکن است مجموعه ای از اقدامات غیر قانونی از سوی کنشگران مختلف سر بزند و صحت و سلامت انتخابات را تهدید کند. قواعد و قوانین در نظر گرفته شده اولاً همه جوانب ناهنجاری های انتخاباتی و رفتارهای غیر قانونی را دربر نمی گیرد. ثانیاً برای برخی از جرایم و تخلفات، ضمانت اجرا پیش بینی نشده است یا در صورت پیش بینی، ضمانت اجرای موجود، کارآمد نیست. بند ۱۵ سیاست های کلی انتخاباتی، برخورد مؤثر با خاطیان انتخاباتی را برای صیانت از آرای مردم مقرر کرده است. البته باید گفت که پیش شرط تحقق برخورد مؤثر با خاطیان این است که اولاً جهت برخورد با خاطیان شدید باشد و ثانیاً زمان رسیدگی به جرایم و تخلفات به هنگام و سریع تر انجام گیرد. شورای نگهبان نیز ضمن

۱. شیخ الاسلامی، عباس، «پیش گیری از جرایم و تخلفات انتخاباتی و مدیریت آن»، همایش پیش گیری از وقوع جرم، تهران، ۱۳۸۸، ص ۴.

بهره‌برداری از برخی ضمانت‌اجراهایی که در اختیار نهاد نظارتی وجود دارد، سرعت‌بخشی در رسیدگی قضایی به موضوع را از قوه قضاییه مطالبه کند. به این دلیل که جرایم و تخلفات انتخاباتی به اصطلاح فصلی هستند و فقط در زمان انتخابات موضوعیت پیدا می‌کنند، موکول کردن رسیدگی به بعد از انتخابات عملاً جنبه بازدارندگی برخورد قضایی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و دیگر اثر خاصی بر آن مترتب نخواهد بود.^۱

اصل دیگر، اصل برابری است. اساساً اقتضائات اصل برابری در کمیت و کیفیت نظارت بر انتخابات متفاوت است. اصل برابری در کمیت (دایره) نظارت بر اجرای انتخابات اقتضا می‌کند که ناظران انتخاباتی بر کل فرآیند انتخابات و تمام عوامل تأثیرگذار بر جریان انتخاباتی نظارت کنند تا حقوق انتخاباتی شهروندان به صورت برابر در تمام مراحل اجرایی انتخابات تضمین گردد. با وجود این، تنظیم فهرستی جامع و دقیق از جرایم انتخاباتی و تعیین مجازات‌های متناسب با آن‌ها در قوانین انتخاباتی ایران برای تضمین اجرای صحیح و بی‌طرفانه قوانین انتخاباتی و در نتیجه، تأمین اصل برابری در قوانین انتخاباتی ضرورت دارد. اقتضای اصل برابری در کیفیت نظارت بر جریان انتخابات، قاعده‌مند بودن معیار نظارت و نظارت بر اساس قانون و بدون مصلحت‌اندیشی ناظر است. به علاوه، قوانین انتخاباتی که معیار نظارت قرار می‌گیرند، باید به صورت عینی و قابل ارزیابی وضع شوند تا از اعمال سلیقه ناظران انتخاباتی در مقام انطباق تصمیماتشان با قوانین انتخاباتی جلوگیری گردد. شورای نگهبان با تفسیر اصل ۹۹ قانون اساسی مبنی بر استصوابی بودن نظارت بر انتخابات بیان کرده که در نظارت استصوابی، مصلحت‌اندیشی و صلاح‌دید ناظر دخیل است، اما این‌که آیا منظور از نظارت استصوابی شورای نگهبان، مصلحت‌اندیشی شورا است یا نه، جای سؤال است. ظاهراً شورای نگهبان معتقد است که مبنای عمل در مقام نظارت بر انتخابات فقط قانون است. اگر اعمال نظارت بر اساس مصلحت‌اندیشی ناظر باشد، به دلیل این‌که اختیارات ناظر را فراتر از نظارت بر اجرای صحیح و بی‌طرفانه قوانین انتخاباتی قرار می‌دهد و می‌تواند به استفاده ناصواب مقام ناظر از ضمانت‌اجراهای نظارتی منجر شود، با اصل برابری در مقابل قوانین انتخاباتی سازگار نیست؛ به ویژه این‌که برخی از قواعد حقوقی مربوط به شرایط انتخاب‌پذیری و انتخاب‌ناپذیری و جرایم

۱. طحان‌نظیف، هادی و کمال کدخدامرادی، «آسیب‌شناسی نظام حقوقی حاکم بر فرآیندهای نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی در پرتو سیاست‌های کلی انتخابات»، نشریه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴، ۱۳۹۸، ص ۱۱۳۶.

انتخاباتی در ایران مبهمند که توان مانور نهاد ناظر بر انتخابات را گسترش می‌دهند. اگر اعمال نظارت بر اساس قانون و معیارهای قانونی عینی باشد، حتی لزوم تأیید یا نظارت بر تمام اعمال مجریان نه تنها با اصل برابری ناسازگار نیست، بلکه تأمین‌کننده آن نیز خواهد بود. فقط نظارتی، قانونی است که بتواند اصل برابری انتخاباتی را تأمین کند. تدوین یک قانون جامع و مانع انتخاباتی که از یک سو، سازوکارهای نظارت بر اجرای برابر قوانین انتخاباتی در همه مراحل انتخابات را برای ناظر انتخاباتی فراهم آورد و از دیگر سو، با وضع قواعد حقوقی عینی و روشن از اعمال سلیقه و نقض بی‌طرفی ناظران انتخاباتی جلوگیری کند، برای تأمین اصل برابری در نظارت بر اجرای انتخابات سیاسی ایران ضروری است.^۱

از جمله اصول بین‌المللی مهم در دادرسی انتخاباتی، اصل بی‌طرفی است، برای تطبیق این اصل با قوانین و مقررات ایران باید گفت که اساساً استقلال یکی از اصول ناظر بر مدیریت و نظارت مطلوب انتخابات است. اصل استقلال را پایه‌ای‌ترین اصل حاکم بر مدیریت انتخابات دانسته‌اند؛ اصلی که دیگر اصول را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.^۲

استقلال داشتن مجری یعنی وزارت کشور یکی از اشکال‌های عمده است که بیش‌تر منتقدان اجرای انتخابات در ایران مطرح می‌کنند. سپردن حوزه اجرایی انتخابات به وزارت کشور که از استقلال در ابعادی چهارگانه برخوردار نیست، به معنی پذیرش ضمنی احتمال مداخله دولت در فرآیند انتخابات است. وزارت کشور از لحاظ ساختاری، مالی و پرسنلی و کارکردی، وابستگی تمام به قوه مجریه دارد. قانون‌گذار با آگاهی از وابستگی نهاد اجرایی انتخابات، نظارت بر انتخابات را به شورای نگهبان سپرده است، ولی این واقعیت امکان ناپذیر نمی‌نماید که نهاد اجرایی در انتخابات ایران در جریان رقابت‌های انتخاباتی، یکی از گروه‌های مدعی یا ذی‌نفع در انتخابات باشد. در واقع، نهاد مجری انتخابات در ایران بر مبنای قوانین تصویبی مجلس شورای اسلامی گام برمی‌دارد و وزیر کشور در مقابل اعمال خود در مقابل مجلس شورای اسلامی پاسخ‌گوست و حضور مردم در هیئت‌های اجرایی برگزاری انتخابات نیز از نقش مقتدرانه دولت می‌کاهد. با این حال، نداشتن

۱. تقی‌زاده و کریم‌زاده، پیشین، ص ۴۲.

2. Wall, Alan and others, *Electoral Management Design: The International IDEA Handbook*, Sweden, 2006, p. 22.

استقلال ساختاری وزارت کشور از دولت همواره زمینه را برای اجرای مطلوب و منطبق با انتظار این نهاد با چالش مواجه ساخته است.^۱

بند دوم. انطباق قوانین و مقررات ناظر بر دادرسی انتخاباتی انگلستان با اصول بین‌المللی

یکی از اصول در دادرسی انتخاباتی، حق دسترسی سهل به شکایت از فرآیند انتخابات است. دادخواست انتخاباتی در انگلستان می‌تواند توسط یک رأی‌دهنده یا نامزد انتخابات مطرح شود. البته همیشه نامزدها نیستند که دادخواست ارائه می‌دهند، بلکه در انتخابات پارلمانی، یک رأی‌دهنده و در انتخابات محلی، اگر حداقل چهار رأی‌دهنده به این توافق برسند، ممکن است انتخابات را به چالش بکشند. البته دلیل تفاوت مشخص نیست و قابل تأمل است که اگر یک رأی‌دهنده، شکایتی قانونی مطابق زمینه‌های مجاز برای ارائه دادخواست دارد، چرا باید رسیدگی تابع متقاعد کردن سه نفر دیگر برای حمایت از دادخواست باشد؟^۲

دیگر اصل مهم بین‌المللی، شفافیت بود. در معیارهای سنجش بیان کردیم که یک قانون انتخاباتی باید زمینه‌ها و دلایلی را که می‌تواند موجب شکایت از نتیجه انتخابات شود، به طور واضح و شفاف بیان کند. سازمان امنیت و همکاری اروپا نیز اظهار داشته است که «قانون انتخابات باید زمینه‌های شکایت و اعتراض را تعیین کند». صلاحیت دادگاه انتخابات باید به طور شفاف در قانون مقرر شود تا متقاضیان در مقام مراجعه به قانون از دلایلی که می‌توانند بر اساس آن، نتیجه انتخابات را به چالش بکشند، اطمینان یابند. این دلایل برای اقامه دعوا در قانون انگلستان به وضوح مشخص نشده است. قانون نمایندگی مردم ۱۹۸۳ بیان می‌کند: «هیچ انتخابات پارلمانی زیر سؤال نخواهد رفت، مگر به موجب شکایت در مورد نادرست بودن انتخابات...». این در حالی است که اصطلاحات به کار رفته در این قانون از قبیل «انتخابات نادرست» به درستی تعریف نشده است و در نتیجه، به شخصی که به قانون مراجعه می‌کند، در تعیین دلایل شکایت از نتیجه انتخابات، کمک چندانی نمی‌کند. در قانون انتخابات دولت محلی، راهنمایی اندکی درباره دعاوی انتخاباتی ارائه شده است.

۱. قیصری، نورالله و دانیال طاهری، «مدیریت انتخابات در ایران: کیفیت و ارزیابی اجرا»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۳، ۱۳۹۴، ص ۲۲.

2. Electoral Commission, *Challenging Elections in the UK*: www.electoralcommission.org.uk/cy/node/25923.

در بخش ۱۲۷ قانون نمایندگی مردم ۱۹۸۳ آمده که ممکن است به دلایلی علیه یک انتخابات طبق قانون حکومت محلی اقامه دعوا شود، از قبیل این که فرد منتخب صلاحیت لازم را نداشته یا از طریق انتخابات صحیح انتخاب نشده باشد. هم چنین این بخش مقرر کرده که انتخابات ممکن است به دلیل اقدامات فاسد و غیر قانونی در آن به چالش کشیده شود. سیستمی که بار تشخیص زمینه‌ای شکایت را بر متقاضیان تحمیل می‌کند، سیستم قابل قبولی نیست و کمیسیون، شفافیت در این زمینه را یک موضوع کلیدی برای اصلاحات دانسته است.

یکی دیگر از اصول بین‌المللی قابل توجه، زمان دادرسی انتخاباتی است. در انگلستان شکایت باید ظرف ۲۱ روز کاری از تاریخ گزارش یا انتخابات مطرح شود. در این زمان علاوه بر این که ارائه فوری شکایت را تضمین می‌کند، شاکیان می‌توانند تمام شواهد لازم برای پرونده را جمع‌آوری کنند و آگاهانه تصمیم بگیرند که آیا ارزش طرح دعوا را دارد یا خیر. با این حال، ممکن است شاکی بالقوه برای جمع‌آوری و انعکاس شواهد و انجام مشورت‌های لازم و همین طور تهیه پول برای هزینه دادخواست به زمان نیاز داشته باشد و به نظر می‌رسد ۲۱ روز برای طرح دعوا کافی نباشد. در این کشور، زمانی اضافه (به طور کلی تا ۲۸ روز) نیز ممکن است برای شکایات ناشی از تخلفات و اقدامات غیر قانونی نظیر پرداخت پول یا پاداش دیگر در مورد هزینه انتخابات در اختیار شاکیان قرار گیرد. با این حال، مقرراتی که این زمان را اجازه می‌دهد، پیچیده است و دریافتن آن بدون مشاوره حقوقی برای رأی‌دهنده بسیار دشوار خواهد بود و باعث سردرگمی خواهد شد. این پیچیدگی و نبود اطمینان، مانعی است برای ارائه شکایت قانونی در محدوده زمانی صحیح آن. این محدوده زمانی بسیار سخت‌گیرانه است و ممکن است دادگاه آن را تمدید نکند. به نظر می‌رسد که ۲۱ روز، زمانی کافی برای طرح دعوا در انگلیس نباشد؛ چون دادخواست این دعاوی در سیستم دادرسی رسمی رسیدگی می‌شود و شاکی باید مبلغی بالغ بر ۵۵۰۰ پوند بپردازد؛ مشاوره حقوقی دریافت کند و ادله و شواهد کافی جمع‌آوری کند که با الزامات زمان بر دادرسی نیز مطابقت داشته باشد. پس افزایش نیافتن این زمان یکی از نگرانی‌های بجاست.

یکی دیگر از اصول بین‌المللی قابل توجه، هزینه دادرسی انتخاباتی است. بخش ۱۳۶ قانون نمایندگی مردم ۱۹۸۳ مقرر می‌دارد که ظرف سه روز از ارائه دادخواست انتخاباتی، خواهان باید وثیقه‌ای برای تمامی هزینه‌هایی که ممکن است از طرف وی به هر شاهد فراخوانده شده یا

خواهان وارد شود، پرداخت کند. یک مقام رسمی در دفتر اداری دیوان عالی که دعاوی انتخاباتی در انگلستان و ولز را رسیدگی می‌کند، به کمیسیون انتخاباتی اطلاع داده است که به عقیده وی، قضات، بالاترین میزان وثیقه را تعیین می‌کنند. در طرح دعاوی انتخابات پارلمان، به استثنای مواردی که کمک مالی پرداخت می‌شود، برای خواهان، بیش از ۵۵۰۰ پوند هزینه دربردارد و در صورتی که پرونده در دادگاه به نتیجه برسد، این هزینه به طور قابل توجهی افزایش خواهد یافت. پنج هزار پوند برای تأمین هزینه دادخواست در انگلستان در مقایسه با حدود ۳۳۰ پوند در استرالیا، ۵۰۰ پوند در نیوزیلند و ۶۴۰ پوند در کانادا بسیار زیاد است. اگرچه الزام به پرداخت همین مبلغ ۳۳۰ و ۶۴۰ پوند نیز به عنوان یک مانع بازدارنده از دسترسی به دادرسی خواهد بود، اما بسیار کم‌تر از هزینه مقرر در کشور انگلستان است.

از سال ۲۰۰۷ در انگلستان، تنها سه دادخواست توسط نامزدهای انتخاباتی که نماینده احزاب کوچک بودند، مطرح شده است. این موضوع نشان می‌دهد که احزاب کوچک که منابع مالی محدودی دارند، با دشواری زیادی در طرح دعوا روبه‌رویند. یک مانع مالی می‌تواند اشخاصی را که ممکن است شکایتی درست داشته باشند، از هزینه‌های دادرسی گزاف بترساند و این منصفانه نیست که شکایات درست در مورد برگزاری انتخابات بررسی نشوند و انتخابات معیوب و نامناسب تنها به این دلیل که شاکی، قادر به پرداخت هزینه و وثیقه نیست، لغو نشود.^۱

در پایان باید گفت که به دلیل ذی‌نفع بودن احزاب و نامزدها در نتیجه انتخابات، بیش‌تر قوانین انتخاباتی به آن‌ها اجازه می‌دهند به طرق مقتضی بر فرآیند انتخابات نظارت کنند تا پاسدار و تضمین‌کننده بخش حقوق سیاسی و انتخاباتی خود باشند. آن‌ها فعالیت‌ها و عملکرد رقبای خود و مسئولان و مأموران انتخاباتی را تحت نظارت قرار می‌دهند تا انتخابات مطابق با قوانین و مقررات برگزار شود. در واقع، این نمایندگان ضمن این‌که حامی و حافظ منافع احزاب و نامزدهای مربوطند، در حفظ سلامت انتخابات و جلوگیری از بروز تخلفات، تقلبات و نقض احتمالی قوانین نقش مهمی خواهند داشت.^۲

۱. علایی، حسین، «مطالعه تطبیقی مکانیسم دادرسی انتخاباتی در انگلستان و اصول بین‌المللی حاکم بر دادرسی انتخاباتی»، نشریه پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۴، ۱۳۹۸، ص ۳۱۹.

2. IDEA, Ethical and Professional Observation of Election, 2003:www.int-idea.se.pdf.

بسیاری از شکایات را احزابی مطرح می‌کنند که از نامزد خود حمایت مالی و قانونی می‌کنند. در انگلیس، احزاب سیاسی نمی‌توانند طرح شکایت کنند و به نظر می‌رسد این امر با اصول اعلام شده توسط مؤسسه بین‌المللی پشتیبانی از دموکراسی و انتخابات (بند ۱۹) ناسازگار است؛ چون هر حزب سیاسی باید قادر به طرح شکایت در دادگاه مرکزی انتخابات یا دادگاه باشد و زمانی این موضوع اثرگذار و آسان‌تر است که احزاب بتوانند مستقیم و نه از طریق نامزد خود، طرح دعوا کنند؛ چون هزینه طرح شکایت بسیار بالاست و حتی گاهی احزاب سیاسی بزرگ هم از چنین پرداختی گریزانند.^۱

گفتار چهارم. انطباق اصول و مبانی ناظر بر اجرای انتخابات و دادرسی انتخاباتی در ایران و انگلستان

بند اول. نقاط اشتراک در ایران و انگلستان

هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان در نظام دادرسی انتخاباتی خود به اصول بین‌المللی و عمومی پای بند بوده و دست کم در عرصه سیاست تقنینی به این اصول نظیر برابری، بی‌طرفی، شفافیت و نظارت دقیق توجه داشته‌اند. برای نمونه، در حقوق ایران، مجموعه‌ای از جرایم و تخلفات انتخاباتی احراز شده و این موضوع حتی در انتخابات‌های مختلف نظیر مجلس شورای اسلامی یا ریاست جمهوری به طور تفکیکی تبیین شده است که این موضوع به اصل قانونی بودن کمک می‌کند. در نظام حقوقی انگلستان، فهرست جرایم و تخلفات مربوط به انتخابات مشخص و از پیش تعیین شده است. دادرسی انتخاباتی برای برخورد با آن‌ها، با فهرست مشخصی از جرایم و تخلفات مقابله می‌کند. اشتراک دیگر در نظام دادرسی انتخاباتی ایران و انگلستان، توجه به اصل برابری و بی‌طرفی است. به این ترتیب، در هر دو نظام اولاً برای برخورد با خاطیان جرایم انتخاباتی، هیچ تبعیضی میان شهروندان یا مقامات سیاسی قائل نشده است و به صورت برابر در نظام دادرسی انتخاباتی با آن‌ها برخورد می‌شود. ضمناً نهادهای نظارتی و قضایی در دادرسی انتخاباتی، مکلف به رعایت بی‌طرفی و حمایت نکردن از طرف خاصی شده‌اند که این مورد در قوانین ایران و انگلستان بازتاب یافته است. همین‌طور بررسی مباحث پیشین مؤید این است که هم در حقوق ایران و هم در حقوق انگلستان،

1. Electoral Commission, *Challenging Elections in the UK*, 2012: www.electoralcommission.org.uk/media/4005.

در اصول دیگری نظیر حق دسترسی آسان به شکایت برای فرآیند انتخابات اشتراک وجود دارد و هر دو نظام اقداماتی را انجام داده‌اند که نامزدها یا شهروندان عادی هم با استفاده از روش‌های غیر قضایی و قضایی با سهولت بتوانند اعتراض یا شکایت خود را از انتخابات مطرح کنند.

بند دوم. نقاط افتراق در ایران و انگلستان

نقاط افتراق، کم‌تر از نقاط اشتراک است. اصولاً بنا به دلایل مبنایی حقوقی مبتنی بر شرع در ایران و عرف در انگلستان که تفاوت ماهوی و جدی وجود ندارد، بلکه صرفاً در برخی از جزئیات تقنینی یا سلیق اجرایی، برای برخی از اصول میان این دو نظام در فرآیند دادرسی انتخاباتی، تفاوت وجود دارد. از جمله این‌که فهرست جرایم و تخلفات انتخاباتی در ایران و انگلستان متفاوت است. این دو نظام در سرفصل‌های این جرایم با یکدیگر تفاوت دارند و آن هم به دلیل ساختار سیاسی است. برای نمونه، بخشی از جرایم انتخاباتی در انگلستان مربوط به آرای پستی است که این امر در حقوق ایران بلاموضوع است. در نتیجه، این دو نظام در چستی جرایم و تخلفات انتخاباتی با یکدیگر متفاوتند. تفاوت دیگر این است که در فرآیند دادرسی انتخاباتی در انگلستان نسبت به ایران، در حوزه شناسایی جرایم و تخلفات انتخاباتی، دقت و موشکافی بیش‌تری وجود دارد. برخی از حقوق دانان داخلی به این موضوع اشاره داشته‌اند که در حقوق داخلی، برخی از جرایم و تخلفات ضمانت اجرایی ندارند یا اگر دارند، کارآمد نیست.^۱

مورد دیگر، اصل بی‌طرفی و استقلال در سازوکار دادرسی انتخاباتی است که در حقوق انگلستان با دقت نظر بیش‌تری در عرصه عمل و فارغ از مباحث تئوری و تقنینی دیده می‌شود و در حقوق ایران، برخی حقوق دانان به تفسیر شورای نگهبان برای نظارت بر انتخابات و احراز برخی تخلفات و همین‌طور شیوه اجرای انتخابات توسط وزارت کشور و تعامل هیئت اجرایی و هیئت نظارت برای احراز تخلفات نقد دارند و آن را مغایر با اصل بی‌طرفی یا استقلال دادرسی انتخاباتی تلقی می‌کنند. تفاوت جزئی دیگر، مربوط به اصول زمان و هزینه دادرسی انتخاباتی است. به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت زمان به دلیل فصلی بودن جرایم انتخاباتی، قوانین انگلستان، سخت‌گیری بی‌موردی را در این خصوص اعمال کرده و صرفاً ۲۱ روز وقت در نظر گرفته است، در صورتی که حقوق دانان

۱. طحان نظیف و کدخدامرادی، پیشین، ص ۱۳۳۸.

انگلیسی، به دلیل نیاز شکایت‌کنندگان به مشورت با حقوق‌دانان، جمع‌آوری ادله و همین‌طور وجود پیچیدگی‌های تقنینی، این فرصت را کافی نمی‌دانند و هزینه آن را که بیش از پنج هزار پوند است، مانعی عملی برای طرح شکایت در دادرسی انتخاباتی تلقی می‌کنند. در کشورهای دیگر، این هزینه بسیار ناچیز است. در نظام دادرسی انتخاباتی ایران نیز محدودیت زمانی به این شکل وجود ندارد و هزینه خاصی از دعاوی عمومی دریافت نمی‌شود.

گفتار پنجم. دادرسی انتخاباتی غیر قضایی در ایران و انگلستان

بند اول. دادرسی انتخاباتی غیر قضایی ایران

الف. شورای نگهبان

در جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان که حافظ قانون اساسی است، بر انتخابات هم نظارت دارد. این نظارت عام و فراگیر است و از زمان تهیه مقدمات برای اعلام زمان برگزاری انتخابات تا زمان صدور اعتبارنامه را دربرمی‌گیرد. این نظارت با قاطعیت همراه است و تا مرحله ابطال انتخابات در صورت احراز عدم صحت می‌تواند پیش رود. این نظارت اطمینان‌بخش تلقی شده و فرض بر این بوده که شورای نگهبان در سطحی است که از هیچ جریان و گروه و شخص خاصی حمایت نمی‌کند و انتخاب هیچ نامزدی برایش نفع و ضرری ندارد. بنابراین، تنها پس از اعلام صحت انتخابات از جانب شورای نگهبان، اعتبارنامه‌ها برای منتخبان صادر می‌شود. البته در قوانین انتخاباتی، ارتکاب بعضی اعمال در جریان انتخابات جرم شناخته شده است، مثل خرید و فروش رأی، تهدید رأی‌دهندگان و تغییر آرا. در این موارد، محاکم قضایی صلاحیت‌دار برابر آیین دادرسی به موارد اتهام ارتکاب جرم رسیدگی می‌کنند که با صلاحیت شورای نگهبان تداخلی ندارد.^۱

بر اساس قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸ در ماده ۷۲ بیان می‌شود: «در صورتی که رسیدگی به شکایات هر یک از حوزه‌های انتخابیه منجر به توقف یا ابطال انتخابات شود، اعلام آن از رسانه‌های گروهی از اختیارات شورای نگهبان است. توقف یا ابطال انتخابات در هر حوزه انتخابیه باید مستند به قانون و همراه با اسناد و مدارک معتبر و با رأی اکثریت مطلق اعضای شورای نگهبان باشد».

۱. مدنی، جلال‌الدین، حقوق اساسی تطبیقی، تهران: جنگل، ۱۳۸۸، ص ۱۹۵.

ب. مجلس شورای اسلامی

بر اساس ماده ۷۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸، اعتبارنامه منتخبان به دستور وزارت کشور و با مهر و امضای اعضای هیئت اجرایی و هیئت نظارت، در پنج نسخه (یک نسخه برای شورای نگهبان) ظرف مدت ۴۸ ساعت تنظیم و صادر می‌شود. اگر هر یک از اعضای هیئت‌های اجرایی و نظارت پس از اعلام نظر شورای نگهبان از امضای اعتبارنامه خودداری کنند، متخلف از قانون محسوب و تا ده سال از عضویت در هیئت‌های اجرایی و نظارت محروم خواهند شد و اعتبارنامه با امضای وزیر کشور و رئیس هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات کشور معتبر خواهد بود. صدور اعتبارنامه منتخبان به ابطال نشدن انتخابات از طرف شورای نگهبان موقوف شده است. شورای نگهبان در اسرع وقت، نظر خود را درباره انتخابات اعلام می‌کند و وزارت کشور موظف است بلافاصله دستور صدور اعتبارنامه را بدهد.^۱ همه شکایات مربوط به انتخابات، قبل از ارسال پرونده انتخاباتی به مجلس توسط وزارت کشور به هیئت مرکزی نظارت ارسال و پس از آن، پرونده عیناً به مجلس شورای اسلامی فرستاده خواهد شد. شورای نگهبان موظف است همه شکایات مربوط به انتخابات را پس از صدور اعتبارنامه‌ها به مجلس ارسال دارد.

ج. هیئت اجرایی

طبق تبصره ۱ ماده ۶۵ قانون اصلاح انتخابات مجلس شورای اسلامی، هیئت اجرایی با توجه به نظریه‌های انجمن نظارت و مفاد شکایت و بررسی‌های خود، اگر تشخیص دهد که امور انتخابات در یک یا چند شعبه به طور مؤثر از جریان عادی خود خارج شده و صحیح انجام نگرفته است، انتخابات یک یا چند شعبه یادشده را باطل اعلام می‌کند. نظر هیئت اجرایی در همه مواردی که رسیدگی می‌کند، تا مرحله صدور اعتبارنامه، قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود. این ماده در قانون مصوب ۱۳۷۸ به این صورت اصلاح شد که اگر هیئت اجرایی پس از بررسی شکایات و گزارش‌ها تشخیص دهد که امور انتخابات در یک یا چند شعبه از جریان عادی خارج شده و صحیح انجام نگرفته است، با تأیید هیئت نظارت، انتخابات یک یا چند شعبه یادشده را در صورتی که در سرنوشت انتخابات مؤثر نباشد، باطل اعلام می‌کند. اگر ابطال همه یا قسمتی از آرای یک یا چند صندوق اخذ رأی

۱. قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸، ماده ۷۱.

در سرنوشت انتخابات مؤثر باشد، تصمیم با شورای نگهبان است. مطابق ماده ۶۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۷۸/۹/۷، «هیئت اجرایی مراکز حوزه‌های انتخابیه موظفند از تاریخ تشکیل هیئت اجرایی تا دو روز پس از اعلام نتیجه اخذ رأی انتخابات، شکایات واصله را بپذیرند و حداکثر ظرف هفت روز از تاریخ دریافت شکایات در جلسه مشترک هیئت‌های اجرایی و نظارت حوزه انتخابیه به آن‌ها رسیدگی کنند». تبصره ۱ همین ماده اضافه می‌کند: «کسانی که از نحوه برگزاری انتخابات شکایت داشته باشند، می‌توانند ظرف هفت روز از تاریخ اخذ رأی، شکایت مستند خود را به دبیرخانه شورای نگهبان نیز تسلیم دارند».

د. هیئت نظارت

هیئت‌های نظارت توسط نهادهای ناظر انتخابات تشکیل می‌شود که همان طور که گذشت، دو نهاد شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی هستند. مجلس شورای اسلامی بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا و شورای نگهبان نیز بر دیگر انتخابات نظارت دارد.^۱

بند دوم. دادرسی انتخاباتی غیر قضایی انگلستان

الف. احزاب سیاسی

به دلیل ذی‌نفع بودن احزاب و نامزدها در نتیجه انتخابات، بیش‌تر قوانین انتخاباتی به آن‌ها اجازه می‌دهند به طرق مقتضی بر فرآیند انتخابات نظارت کنند تا پاسدار و تضمین‌گر بخش حقوق سیاسی و انتخاباتی خود باشند. آن‌ها فعالیت‌ها و عملکرد رقبای خود و مسئولان و مأموران انتخاباتی را زیر نظر می‌گیرند تا انتخابات مطابق با قوانین و مقررات برگزار شود. در واقع، این نمایندگان ضمن این‌که حامی و حافظ منافع احزاب و نامزدهای مربوط به خودند، در حفظ سلامت انتخابات و جلوگیری از بروز تخلف و تقلب و نقض احتمالی قوانین نقش مهمی خواهند داشت. بسیاری از شکایات را احزاب مطرح می‌کنند که از نامزد خود حمایت مالی و قانونی می‌کنند. با این حال، در انگلیس، احزاب سیاسی نمی‌توانند شکایت کنند. این امر با اصول اعلام‌شده توسط مؤسسه بین‌المللی پشتیبانی از دموکراسی و انتخابات (بند ۱۹) ناسازگار است؛ چون هر حزب سیاسی باید قادر به طرح شکایت در

۱. راجی، محمدهادی و محمد مهدی غمامی، «درباره انتخابات: شیوه‌ها و مراجع رسیدگی به تخلفات انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران»، ۱۳۸۶، ص ۱۸.

دادگاه مرکزی انتخابات یا دادگاه باشد. زمانی این موضوع اثرگذار و آسان تر است که احزاب بتوانند مستقیم و نه از طریق نامزد خود، طرح دعوا کنند؛ چون هزینه طرح شکایت بسیار بالاست و حتی گاهی احزاب سیاسی بزرگ هم از چنین پرداختی گریزانند.

ب. نهادها و کمیسیون‌های انتخاباتی

در بیش تر کشورها نظیر انگلستان، کمیسیون‌ها و هیئت‌های انتخاباتی، مراجع اولیه دریافت و بررسی چالش‌ها محسوب می‌شوند که بر حسب ماهیت و درجه اعتراض و شکایت تصمیم می‌گیرند. تصمیمات می‌تواند ماهیت قطعی یا تجدیدنظری داشته باشد. بیش تر کشورها نظیر انگلستان در خصوص این که اعتراض و شکایت، ماهیت جزایی و غیر جزایی دارد، رویه واحدی در خصوص مرجع رسیدگی کننده دارند. معمولاً به چالش‌هایی که جنبه جزایی دارند، در دادگاه‌های عمومی یا دادگاه‌های ویژه انتخاباتی یا کمیسیون‌های مرکزی انتخابات رسیدگی می‌شود، اما به دیگر تخلفات غیر جزایی معمولاً در اداره ویژه ثبت نام یا کمیسیون‌های انتخاباتی به طور سلسله‌مراتبی رسیدگی می‌گردد. مهم‌ترین نکته این است که در قانون انتخابات باید مهلت‌های معقولی برای مطرح کردن چالش‌ها و رسیدگی، تصمیم‌گیری و تجدیدنظر از آن‌ها در نظر گرفت.^۱

ج. نهادهای سیاسی

گاهی دعاوی انتخاباتی به قضاوت سیاسی سپرده می‌شود؛ یعنی به ارگان‌هایی قضایی که محتوای عملکردهای آنان قضاوت است، ولی به منظور قضاوت در امور سیاسی پایه‌ریزی شده‌اند. برخی کشورها نظیر انگلستان، نهادها و مقامات متعددی را به عنوان مسئول بررسی چالش‌های انتخاباتی در نظر گرفته‌اند. در این نظام، جنبه‌هایی از چالش‌های انتخاباتی توسط نهاد مدیریت انتخابات رسیدگی و حل و فصل می‌شود و بررسی اولیه یا تجدیدنظر برخی جنبه‌های دیگر توسط یک ارگان سیاسی نظیر پارلمان، قوه مجریه یا یک نهاد سیاسی صورت می‌گیرد.

۱. احمدی، علی، انتخابات در ایران (بررسی حقوقی و قانونی)، تهران: میزان، ۱۳۸۹، ص ۲۱۴.

گفتار ششم. دادرسی انتخاباتی قضایی در ایران و انگلستان

به تخلفات و جرایمی که به وسیله نامزدها صورت می‌گیرد، پس از برگزاری انتخابات، در شعبه رسیدگی به تخلفات و جرایم انتخاباتی در تهران رسیدگی می‌شود. تشکیلات قضایی هر شهرستان یا بخش باید به منظور پیش‌گیری از وقوع جرم، اقدامات لازم را در محدوده قوانین و مقررات مربوط معمول دارد. هیئت‌های اجرایی و نظارت موظفند در صورت اطلاع از ارتکاب هر یک از جرایم یادشده، موضوع را برای رسیدگی به مرجع قضایی صلاحیت‌دار اعلام کنند. موضوع باید بلافاصله توسط دادستان حوزه مربوط رسیدگی شود. قوه قضاییه نیز یکی از شعب موجود در هر حوزه قضایی را به منظور رسیدگی خارج از نوبت به تخلفات و جرایم انتخاباتی اختصاص می‌دهد.

در بعضی ممالک، حل و فصل دعاوی مربوط به انتخابات به مراجعی که ذاتاً موظف به رسیدگی به اختلاف هستند، یعنی محاکم ارجاع می‌شود. این شیوه از حقوق انگلستان سرچشمه گرفته و تقلید شده است. در انگلستان، دعاوی انتخاباتی به محاکم عادی ارجاع می‌شود که در زمان انتخابات به همین منظور اختصاص می‌یابند. این دادگاه هنگامی می‌تواند رسیدگی و تصمیم‌گیری کند که قبلاً از سوی شخصی یا مرجعی طرح شکایت شده باشد. به عبارتی، رسیدگی این مرجع قضایی جنبه پی‌گیری دارد.^۱ توانایی دادگاه انتخابات که به صورت علنی برگزار می‌شود، به اندازه دادگاه عالی است. دادگاه در پایان دادرسی وظیفه دارد تا مشخص کند کسی را که از او در جریان انتخابات شکایت شده، مقصر بوده است یا خیر؟ رأی دادگاه ممکن است بطلان کامل انتخابات و تجدید آن یا رد شکایت و صحیح بودن آن باشد. هم‌چنین ممکن است دادگاه به این نتیجه برسد که شخص پیروز در انتخابات، غیر از فردی است که اعلام شده است. به هر حال، رأی دادگاه هر چه باشد، قابل پژوهش و حتی گاهی قابل فرجام‌خواهی است.

در انگلستان، قضات به شکایات و دعاوی انتخاباتی رسیدگی می‌کنند. دادگاه‌های عادی، دعاوی و شکایات را بررسی و حکم صادر می‌کنند. در این کشور، نهادی مشابه شورای نگهبان وجود ندارد که به موجب قانون، نظارت بر انتخابات به آن واگذار شده باشد. قبل از هر انتخاباتی، مأموران ویژه‌ای

۱. مختاری، رحیم، «مطالعه تطبیقی نظارت بر انتخابات عمومی در ایران و انگلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۳، ص ۶۳.

برای سازمان دهی انتخابات تعیین می‌شوند که معمولاً از مقامات محلی از قبیل رئیس شورای شهر یا بخش، بخشدار یا شهردار هستند و بر روند انتخابات نظارت می‌کنند. نظارت بر انتخابات در این کشور بیش‌تر جنبه پی‌گیری دارد و به شکایت افراد و احزاب رقیب بستگی دارد. مراجع قضایی در نهایت، نظارت عالیه را اعمال می‌کنند و تصمیم نهایی را می‌گیرند.^۱

آرای صادرشده از دادگاه عمومی قابل استیناف خواهد بود. این دادگاه در داخل دادگاه‌های قضایی، مرحله دوم را تشکیل می‌دهد. این دادگاه حداکثر دارای ۲۳ مستشار است که رئیس آنان، رئیس پرونده نام دارد.^۲ هیئتی مرکب از سه قاضی به این دعاوی رسیدگی می‌کند. هرگاه اکثریت قضات به تغییر حکمی که از آن شکایت شده است، نظر ندهند، دعاوی تجدیدنظرخواهی شده، مردود اعلام می‌شود. این دادگاه به پرونده‌های ارجاعی از نظر ماهوی و شکلی رسیدگی می‌کند و می‌تواند برای رسیدگی به تقاضای تجدیدنظرخواهی راجع به ایرادهای مربوط به آیین دادرسی با حضور دو قاضی تشکیل گردد. در یک نمونه عینی در انتخابات پارلمان در سال ۱۹۹۴ گروهی با عنوان و نام لیبرال دموکرات در مقابل لیبرال دموکرات قرار گرفتند. در جریان این انتخابات، نامزد حزب محافظه‌کار ضمن یک پرونده و به همین لحاظ در دادگاه انتخابات شکایت کرد. دادگاه این شکایت را نپذیرفت و استدلال کرد چون احزاب یادشده ثبت نام نکرده‌اند، نمی‌توانند برای اسم و عنوان خود ادعای انحصاری داشته باشند.^۳

در شیوه رسیدگی دادگاه انتخاباتی در انگلستان باید توجه کرد که رسیدگی در این دادگاه جنبه پی‌گیری دارد؛ یعنی هر اقدامی از سوی این دادگاه مستلزم طرح شکایت و درخواست قبلی است و دادگاه اساساً اقدام نخواهد کرد.

۱. شهبازی، حشمت‌الله، «نظارت بر انتخابات در ایران و انگلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۶۶.

۲. داوید، رنه، کامی ژوفره اسپیتوزی و ماری کوره، درآمدی بر حقوق تطبیقی دو نظام بزرگ معاصر، ترجمه: سید حسین صفایی، تهران: دادگستر، ۱۳۸۸، ص ۷۶.

3. Wright, T., *The British Political Process*, Manchester university Press, 1994, p. 67.

گفتار هفتم. انطباق نهادها و سازوکارهای دادرسی انتخاباتی در ایران و انگلستان

بند اول. اشتراکات نهادها و سازوکارهای دادرسی انتخاباتی در ایران و انگلستان

هر دو نظام ایران و انگلستان برای رسیدگی به فرآیند دادرسی انتخاباتی، دو راهکار تفکیکی را پیش بینی کرده‌اند؛ راهکار متکی به روش غیر قضایی و راهکار متکی به روش قضایی. در حقوق ایران، یکی از شعب دادگاه‌های عمومی به طور موقت و به صورت تخصصی به رسیدگی جرایم انتخاباتی اختصاص پیدا می‌کند و این شعبه با هماهنگی دادستانی از یک سو و هماهنگی با مراجع غیر قضایی مسئول در انتخابات نظیر هیئت اجرایی و هیئت نظارت و شورای نگهبان، خارج از نوبت به بررسی موضوع می‌پردازد. در انگلستان نیز محاکم عمومی عادی به طور فصلی و موقت برای رسیدگی به جرایم انتخاباتی تعیین می‌شوند و با هماهنگی با مقامات قضایی از یک سو و نهادهای محلی برگزاری انتخاباتی نظیر شهرداری و شوراهای نسبت به پرونده‌ها حکم صادر می‌کنند. هر دو نظام، دو ساختار را برای دادرسی انتخاباتی پیش‌بینی کرده‌اند؛ ساختار اول، غیر قضایی است و ساختار دوم، قضایی. دوم این‌که در ساختار قضایی نیز هر دو فرآیند مشترکی برای دادرسی انتخاباتی بهره‌گرفته‌اند و آن هم ایجاد یک شعبه تخصصی (نه ایجاد دادگاه اختصاصی نظیر فرانسه)^۱ از محاکم عمومی است که به طور موقتی عمل و خارج از نوبت، رأی صادر می‌کند.

بند دوم. افتراقات نهادها و سازوکارهای دادرسی انتخاباتی در ایران و انگلستان

بخشی از تفاوت دو نظام در دادرسی غیر قضایی است. حقوق ایران از نهادهای دولتی و رسمی و حاکمیتی نظیر شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، هیئت نظارت و هیئت‌های اجرایی بهره‌گرفته است، در صورتی که در حقوق انگلستان به دلیل نوع ساختار سیاسی ناظر بر آن که بر ساختار حقوقی نیز اثر می‌گذارد، بار اصلی دادرسی غیر قضایی بر دوش احزاب سیاسی و نهادهای سیاسی است. میان دادرسی غیر قضایی در حقوق ایران و انگلستان از منظر نهادهای رسیدگی‌کننده و درخواست‌دهنده تفاوتی قابل توجه وجود دارد. تفاوت عمده دیگر این است که نهادهای قضایی برای دادرسی انتخاباتی قضایی، در بسیاری از موارد از طریق دادستانی راساً وارد عمل می‌شوند و این اختیار را دارند که علاوه

1. Brouard, Sylvain, "The Politics of Constitutional Veto in France: Constitutional Council, Legislative Majority and Electoral Competition", Journal West European Politics, 32, 2009, p. 44.

بر مواردی که شکایت یا اعتراضی به آن‌ها اعلام و ابلاغ می‌شود، خود نیز راساً تعقیب و پی‌گیری تخلف و جرم را عهده‌دار شوند. در نظام دادرسی انتخاباتی انگلستان، قضیه معکوس است. رسیدگی در این دادگاه عمومی تخصصی، جنبه پی‌گیری دارد؛ یعنی هر اقدامی از سوی این دادگاه مستلزم طرح شکایت و درخواست قبلی است و دادگاه راساً برای رسیدگی به تخلفات یا جرایم انتخاباتی در چارچوب فرآیند دادرسی انتخاباتی در کشور انگلستان اقدامی نخواهد کرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به ویژگی‌های اعضای شورای نگهبان، به ویژه فقهای آن که می‌توانند به مثابه قاضی تلقی شوند و محاکم عمومی دادگستری نیز نقش مکملی در برگزاری انتخابات و رسیدگی به تخلفات دارند، در ایران، اگر تخلفات انتخاباتی جنبه مجرمانه داشته باشد، محاکم عمومی دادگستری حق دخالت و رسیدگی دارند. در حقوق انگلستان، برای رسیدگی به دعاوی انتخاباتی، یک دادگاه ویژه وجود دارد که هیئت قضات آن، ترکیبی از قضات دو دادگاه عالی است.

با وجود نقش پررنگ انتخابات در تحقق دموکراسی، نهاد مستقیمی برای دادرسی انتخابات در ایران وجود ندارد. چون ضعف‌هایی در دوره‌های برگزاری انتخابات به مرور زمان در سیستم حقوقی و سیستم نظارتی ایران پیدا شده است، ضرورت ورود این نهاد به نظام داخلی حس می‌شود. بر اساس موازین و لوازم دادرسی شایسته مناسب است فرآیند انتخابات از جمله رسیدگی به صلاحیت نامزدهای انتخاباتی، برای حفظ حق الناس، به موازین دادرسی عادلانه و منصفانه نزدیک گردد تا نامزدهای انتخابات بتوانند در پرتو آیین دادرسی مناسب از حقوق قانونی خود دفاع کنند. قضایی کردن فرآیند انتخابات و لزوم دادرسی انتخاباتی منصفانه و ضرورت هر گونه تصمیم‌گیری و صدور رأی مستند و مستدل و شفاف از مبانی و لوازم تحقق دادرسی انتخاباتی است.

نتایج و یافته‌های پژوهش مؤید این مطلب است که اولاً در حوزه انطباق ساختار دادرسی انتخاباتی با اصول بین‌المللی، هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان به اصول بین‌المللی و عمومی پای‌بندند و دست کم در عرصه سیاست تقنینی به این اصول نظیر برابری، بی‌طرفی، شفافیت و نظارت دقیق توجه دارند. بسیاری از اصول هم در حقوق انتخاباتی ایران و هم در سازوکار انتخاباتی انگلستان بازتاب تقنینی داشته است. اشتراک دیگر، توجه به اصل برابری و بی‌طرفی است. برای برخورد با

خاطیان جرایم انتخاباتی، هیچ تبعیضی میان شهروندان یا مقامات سیاسی قائل نشده‌اند و به صورت برابر در نظام دادرسی انتخاباتی با آن‌ها برخورد می‌شود. ضمناً نهادهای نظارتی و قضایی در دادرسی انتخاباتی، به رعایت بی‌طرفی و حمایت نکردن از طرف خاصی مکلف شده‌اند. همین‌طور در اصول دیگری نظیر حق دسترسی آسان به شکایت برای فرآیند انتخابات، اشتراک وجود دارد و هر دو نظام، اقداماتی را انجام داده‌اند تا نامزدها یا شهروندان عادی از طریق غیر قضایی و قضایی با سهولت بتوانند از فرآیند انتخابات، اعتراض یا شکایت کنند.

نقاط افتراق اصولاً بنا به دلایل مبانی حقوقی مبتنی بر شرع در ایران و عرف در انگلستان است و تفاوت ماهوی و جدی وجود ندارد، بلکه صرفاً در برخی از جزئیات تقنینی یا سلیقه‌های اجرایی برای برخی از اصول تفاوت وجود دارد. برای نمونه، فهرست جرایم و تخلفات انتخاباتی دو کشور متفاوت است و در سرفصل‌های این جرایم با یکدیگر تفاوت دارند که آن هم به دلیل ساختار سیاسی است. برای نمونه، بخشی از جرایم انتخاباتی در انگلستان مربوط به آرای پستی است که این امر در حقوق ایران بلاموضوع است. تفاوت دیگر در انگلستان، در حوزه شناسایی جرایم و تخلفات انتخاباتی، دقت و موشکافی بیش‌تری وجود دارد که برخی حقوق‌دانان به این مورد اشاره داشته‌اند که در حقوق داخلی، برخی از جرایم و تخلفات، ضمانت اجرایی ندارند یا اگر دارند، کارآمد نیست.

اصل بی‌طرفی و استقلال در حقوق انگلستان با دقت نظر بیش‌تری در عرصه عمل و فارغ از مباحث تئوری و تقنینی دیده می‌شود و در حقوق ایران، برخی حقوق‌دانان به تفسیر شورای نگهبان برای نظارت بر انتخابات و احراز برخی تخلفات و شیوه اجرای انتخابات توسط وزارت کشور و تعامل هیئت اجرایی و هیئت نظارت برای احراز تخلفات نقد دارند و آن را مغایر با اصل بی‌طرفی یا استقلال دادرسی انتخاباتی تلقی می‌کنند. تفاوت جزئی دیگر، مربوط به اصول زمان و هزینه دادرسی انتخاباتی است. با توجه به اهمیت زمان به دلیل فصلی بودن جرایم انتخاباتی، قوانین انگلستان، سخت‌گیری بی‌موردی را در این خصوص اعمال کرده و صرفاً ۲۱ روز وقت در نظر گرفته است. صاحب‌نظران، این فرصت را به دلیل نیاز شکایت‌کنندگان به مشورت با حقوق‌دانان، جمع‌آوری ادله و وجود پیچیدگی‌های تقنینی کافی نمی‌دانند و هزینه آن (بیش از پنج هزار پوند) را مانع طرح شکایت در دادرسی انتخاباتی تلقی می‌کنند. در نظام دادرسی انتخاباتی ایران، محدودیت زمانی به این شکل وجود ندارد و هزینه متفاوت یا گزافی از دعاوی عمومی دریافت نمی‌شود.

هر دو نظام ایران و انگلستان، دو راهکار تفکیکی قضایی و غیر قضایی را پیش‌بینی کرده‌اند. در حقوق ایران، یکی از شعب دادگاه‌های عمومی به طور موقت و به صورت تخصصی به رسیدگی جرایم انتخاباتی اختصاص پیدا می‌کند. این شعبه با هماهنگی دادستانی از یک سو و هماهنگی با مراجع غیر قضایی مسئول در انتخابات نظیر هیئت اجرایی و هیئت نظارت و شورای نگهبان، خارج از نوبت به بررسی موضوع می‌پردازد. در فرآیند دادرسی انتخاباتی انگلستان نیز محاکم عمومی عادی به طور فصلی و موقت برای رسیدگی به جرایم انتخاباتی تعیین می‌شوند و با هماهنگی با مقامات قضایی از یک سو و نهادهای محلی برگزاری انتخاباتی نظیر شهرداری و شوراها به مسئله ورود و نسبت به پرونده حکم صادر می‌کنند.

در دادرسی غیر قضایی، حقوق ایران از نهادهای دولتی و رسمی و حاکمیتی نظیر شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، هیئت نظارت و هیئت‌های اجرایی بهره گرفته است. در حقوق انگلستان، بار اصلی دادرسی غیر قضایی بر دوش احزاب سیاسی و نهادهای سیاسی است و از این منظر میان دادرسی غیر قضایی در حقوق ایران و انگلستان از منظر نهادهای رسیدگی‌کننده و درخواست‌دهنده تفاوت وجود دارد. تفاوت عمده دیگر این است که نهادهای قضایی برای دادرسی انتخاباتی قضایی، در بسیاری از موارد از طریق دادستانی به عنوان مدعی‌العموم راساً وارد عمل می‌شوند و این اختیار را دارند که علاوه بر مواردی که شکایت یا اعتراضی به آن‌ها اعلام و ابلاغ می‌شود، خود نیز راساً تعقیب و پی‌گیری تخلف و جرم را عهده‌دار شوند. در نظام دادرسی انتخاباتی انگلستان، قضیه معکوس است؛ چون رسیدگی در دادگاه عمومی تخصصی، جنبه پی‌گیری دارد. هر اقدامی از سوی این دادگاه مستلزم طرح شکایت و درخواست قبلی است و دادگاه برای بررسی تخلفات یا جرایم انتخاباتی در چارچوب فرآیند دادرسی انتخاباتی به صورت مستقیم اقدام نخواهد کرد.

فهرست منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. احمدی، علی، انتخابات در ایران (بررسی حقوقی و قانونی)، تهران: میزان، ۱۳۸۹.
۲. اوروسکو انریکه، خسوس، دادرسی انتخاباتی، ترجمه: اسدالله یآوری و هانیه اشتغالی، تهران: میزان، ۱۳۹۷.
۳. سی اف، پرفلید، گزیده متون حقوقی، ترجمه: اسماعیل صغیری، تهران: میزان، ۱۳۸۸.
۴. فاورو، لویی، دادگاه‌های قانون اساسی، ترجمه: علی اکبر گرجی ازندریانی، تهران: جنگل، ۱۳۸۸.
۵. داوید، رنه، کامی ژوفره اسپیتوزی و ماری کوره، درآمدی بر حقوق تطبیقی دو نظام بزرگ معاصر، ترجمه: سید حسین صفایی، تهران: دادگستر، ۱۳۸۸.
۶. مدنی، جلال‌الدین، حقوق اساسی تطبیقی، تهران: جنگل، ۱۳۸۸.
۷. نبی‌لو، حسین، خرید آرا در انتخابات (گزارش پژوهشی)، تهران: دفتر مطالعات حقوقی مرکز پژوهش اسلامی، شماره ۸۸۳۱، ۱۳۸۶.

ب) مقاله

۱. تقی‌زاده، جواد و طیبه کریم‌زاده، «اصل برابری و نظارت قانونی بر اجرای انتخابات نهادهای سیاسی»، نشریه مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره ۱، ۱۳۹۲.
۲. حاجی میرسعیدی، سید ساعی و سید ابراهیم حاجی میرسعیدی، «راهکارهای پیش‌گیرانه از تخلف در انتخابات‌های مردمی در حقوق ایران»، همایش علمی و پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، اصفهان، ۱۳۹۸.
۳. خسروی، حسن و ایرج حسینی صدرآبادی، «نظارت کارآمد بر انتخابات»، نشریه حقوق اداری، شماره ۱۳، ۱۳۹۶.
۴. راجی، محمدهادی و محمد مهدی غمامی، «درباره انتخابات: شیوه‌ها و مراجع رسیدگی به تخلفات انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران»، ۱۳۸۶.

۵. شیخ الاسلامی، عباس، «پیش‌گیری از جرایم و تخلفات انتخاباتی و مدیریت آن»، همایش پیش‌گیری از وقوع جرم، تهران، ۱۳۸۸.
۶. طحان نظیف، هادی و کمال کدخدامرادی، «آسیب‌شناسی نظام حقوقی حاکم بر فرآیندهای نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی در پرتو سیاست‌های کلی انتخابات»، نشریه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴، ۱۳۹۸.
۷. علایی، حسین، «مطالعه تطبیقی مکانیسم دادرسی انتخاباتی در انگلستان و اصول بین‌المللی حاکم بر دادرسی انتخاباتی»، نشریه پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۴، ۱۳۹۸.
۸. قیصری، نورالله و دانیال طاهری، «مدیریت انتخابات در ایران؛ کیفیت و ارزیابی اجرا»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۳، ۱۳۹۴.
۹. هاشمی، سید محمد و اعظم عدالت‌جو، «مطالعه تطبیقی نظارت بر انتخابات پارلمان در ایران و انگلستان»، نشریه تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۱، ۱۳۹۰.

ج) پایان‌نامه

۱. شهبازی، حشمت‌الله، «نظارت بر انتخابات در ایران و انگلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۲. مختاری، رحیم، «مطالعه تطبیقی نظارت بر انتخابات عمومی در ایران و انگلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۳.

۲. Latin source

۱. Brouard, Sylvain, "The Politics of Constitutional Veto in France: Constitutional Council, Legislative Majority and Electoral Competition", Journal West European Politics, ۲۰۰۹, ۳۲.
۲. Electoral Commission, **Challenging Elections in the UK**, ۲۰۱۲: www.electoralcommission.org.uk/media/۴۰۰۵.
۳. Electoral Commission, **Challenging Elections in the UK**: www.electoralcommission.org.uk/cy/node/۲۵۹۲۳.
۴. IDEA, **Ethical and Professional Observation of Election**, ۲۰۰۳: www.int-idea.se.pdf.

۵. The Electoral commission, **Electoral Fraud in the UK: Evidence and Issues Paper**, UK, Parliament.
۶. Wall, Alan and others, **Electoral Management Design: The International IDEA Handbook**, Sweden, ۲۰۰۶.
۷. Wright, T., **The British Political Process**, Manchester university Press, ۱۹۹۴.



A comparative study of electoral proceedings in the Islamic Republic of Iran and England

Morteza Deljou¹, Azizollah Fazli²

Abstract

One of the important concerns regarding the holding of elections is the legal–legal clarification of the process and principles governing election proceedings in relation to election violations and crimes, therefore, in this research, the issue of election proceedings in the Islamic Republic of Iran and the United Kingdom has been comparatively studied. And the topics discussed have been centered around the answer to this issue and the question, what are the points of commonality and difference between the process of election proceedings and its compliance with international principles in the laws of Iran and England. The results and findings of this research, which were prepared and organized in a descriptive and analytical method, prove that the structure of election proceedings in Iran and England, from the perspective of compliance with international principles, in cases such as the principle of neutrality, equality, transparency, access to the right to complain and protest and strict supervision, although in the pre–determined explanation of crimes and electoral violations in line with the principle of legality of crimes and punishments as well as the principles of impartiality and independence, the electoral procedure system of England has acted more precisely and scrutinizingly and in contrast to Iran’s situation in observing principles such as The time and cost of election proceedings are better than in England. In the field of implementation of electoral proceedings, Iran and England through judicial and non–judicial means, both of them are in common in predicting the separation of judicial and non–judicial solutions as well as determining specialized branches of public courts which are also temporary, although they differ from each other in two points, firstly, the institutions Non–judicial bodies in Iran are such as the Guardian Council, the Islamic Council and the executive board, while in England these institutions are mostly popular, such as political parties and institutions, and secondly, in Iran, unlike in England, the judicial authorities have the right to investigate election violations and crimes. if in England they act only after receiving complaints and objections.

Keywords: elections, election proceedings, judicial and non–judicial proceedings, international principles, English law, Iranian law.

1. Graduated from Master of Public Law, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran, mortezadeljou@chmail.ir

2. Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran, azizollahfazli@chmail.ir